

خشونت جنسی شریک زندگی

Photo: Kasia Bialasiewicz/Bigstock.com

ترجمه: خانه امن

واقعیات

- خشونت علیه زنان به ویژه خشونت توسط شریک زندگی و خشونت جنسی علیه زنان از جمله معضلات بهداشت عمومی و نقض حقوق زنان به شمار می‌رود.
- پژوهشی که توسط سازمان بهداشت جهانی در چند کشور صورت گرفته نشان می‌دهد که بین ۵۱٪ تا ۱۷٪ زنانی که ۵۱ تا ۹۴ سال دارند، در طول زندگی‌شان توسط شریک زندگی خود تحت خشونت فیزیکی و یا جسمی قرار می‌گیرند.
- این نوع خشونت‌ها منجر به مشکلات سلامتی جسمی، روحی، بهداشت اندام‌های جنسی می‌گردد و احتمال ابتلاء به ویروس اچ‌آی‌وی را نیز افزایش می‌دهد.
- عوامل خطرزایی که موجب می‌شوند شخص بزهکار شود از جمله آموزش و پرورش محدود، در دوران طفولیت مورد سوءرفتار قرار داشتن و یا شاهد خشونت در خانواده بودن، سوء مصرف مشروبات الکلی، و ارزش‌هایی که خشونت و عدم تساوی جنسیت را می‌پذیرند.
- عوامل خطر که موجب می‌شود قربانی شریک زندگی و خشونت جنسی شود از جمله آموزش و پرورش محدود، شاهد خشونت والدین بودن، در معرض آزار و اذیت در طفولیت قرار گرفتن و ارزش‌هایی که خشونت و عدم تساوی جنسیت را می‌پذیرد.
- در کشورهای پر درآمد برنامه‌هایی در سطح مدرسه اجراء می‌شود تا از روابط صمیمانه خشونت‌آمیز بین جوانان (خشونت طی دوست‌یابی) جلوگیری شود و شواهد موجود نشان می‌دهد که این برنامه‌ها تا حدودی مؤثر بوده‌اند.
- در نواحی و مناطق کم درآمد انواع دیگر استراتژی‌ها برای پیش‌گیری از خشونت علیه زنان اتخاذ می‌شود که تا حدودی نیز موفق هم بوده‌اند استراتژی‌هایی مانند: در اختیار گذاشتن وام‌های کوچک برای آموزش مردان در رابطه با برابری جنسیتی و ایجاد فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوطه توسط انجمن‌های مختلف.
- این استراتژی‌ها همه نابرابری‌های جنسیتی را مخاطب قرار می‌دهند و سعی در بهبود و بالا بردن مهارت‌های ارتباطی دارند.
- شرایط جنگی، شرایط پس از جنگ، جا به جا شدن و تغییر مکان احتمال دارد خشونت فعلی را شدیدتر سازد و انواع جدید خشونت علیه زنان را به وجود آورد.

مقدمه

سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را چنین تعریف می‌کند: «هر گونه عملی که ناشی از خشونت بر اساس جنسیت باشد که احتمالاً منجر به آسیب و یا تحمل رنج فیزیکی، جنسی و روانی زنان گردد، از جمله تهدید کردن به انجام چنین اعمالی، مجبور نمودن و یا محرومیت از آزادی‌ها، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی شخص.»

منظور از خشونت از طرف شریک زندگی به رفتار شریک زندگی و یا شریک زندگی سابق اشاره دارد که موجب آسیب فیزیکی، جنسی و یا روانی، از جمله تجاوز فیزیکی، به زور وادار به انجام اعمال جنسی نمودن، اذیت و آزار روانی و رفتار کنترل کننده شود.

دامنه مشکل

آمارهایی که در سطح انبوه جمعیت از طریق گزارشاتی که از قربانیان بدست آمده دقیق‌ترین تخمین‌ها را از شیوع خشونت توسط شریک زندگی و خشونت جنسی در محیط که جنگ نیست را ارائه می‌نماید. پژوهشی که توسط سازمان بهداشت در چند کشور در رابطه با سلامت زنان و خشونت خانگی علیه زنان در ۰۱ کشور پیشرفته دنیا انجام شد نشان می‌دهد که بین زنان سنین ۵۱ تا ۹۴ سال:

- ۵۱٪ زنان در ژاپن و ۱۷٪ زنان در اتیوپی در طول دوران زندگی‌شان گزارش داده‌اند توسط شریک زندگی خود تحت خشونت فیزیکی و یا جنسی قرار گرفته‌اند.
- بین ۳۰ تا ۵۱٪ زنان گزارش دادند که از سن ۵۱ سالگی توسط شخصی که شریک زندگی‌شان نبوده مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند.
- بر اساس گزارشات اولین تجربه جنسی بسیاری از زنان اجباری بوده است به عنوان مثال ۷۱٪ در مناطق روستایی تانزانیا، ۴۲٪ در مناطق روستایی پرو و ۰۳٪ در مناطق روستایی بنگلادش.
- اعمال خشونت جنسی توسط شریک زندگی غالباً توسط مردان علیه دختران و زنان است. اذیت و آزار جنسی کودکان گریبان‌گیر پسران و

دختران هر دو می‌شود. پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که ۰۲٪ زنان و ۵ تا ۰۱٪ مردان در طفولیت مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند.

تحقیقاتی که بر اساس انبوه جمعیت در رابطه با خشونت بین جوانان انجام شده (یا خشونت هنگام دوست‌یابی) نشان می‌دهد که بر بخش قابل توجهی از جمعیت جوانان تأثیر می‌گذارد. مثلاً در آفریقای جنوبی بررسی از افراد ۳۱ تا ۳۲ ساله نشان می‌دهد که ۲۴٪ زنان و ۸۳٪ مردان قربانی خشونت فیزیکی در زمان دوست‌یابی هستند.

عوامل خطر

عواملی که مربوط به خشونت جنسی از جانب شریک زندگی هستند بیشتر بین افراد، خانواده‌ها، و جوامع بزرگ‌تر وجود دارند. برخی از عوامل مربوط به افراد متجاوز و برخی دیگر مربوط به کسانی که خودشان تحت خشونت بوده‌اند می‌شوند.

عوامل خطر برای شریک زندگی و شخص قربانی شامل نکات ذیل است:

- سطح پائین تحصیلات (شخصی که مرتکب خشونت جنسی می‌گردد و شخصی که خشونت جنسی را تجربه می‌کند).
- در معرض سوء رفتار با کودک قرار گرفتن (شخص بزهکار و قربانی خشونت)
- اختلال شخصیت ضد اجتماعی (شخص بزهکار)
- استفاده بیش از حد از مشروبات الکلی (شخص بزهکار و تجربه قربانی خشونت)
- داشتن چند همسر یا شریک زندگی یا وقتی شریک زندگی‌شان شک می‌کند که به او خیانت شده است. (شخص بزهکار)
- روش و رفتاری که خشونت و نابرابری جنسیتی را می‌پذیرد. (شخص بزهکار و قربانی خشونت)

عواملی که به خصوص مربوط به خشونت شریک زندگی می‌شود شامل موارد ذیل است:

- سابقه قبلی خشونت (شخص بزهکار و تجربه قربانی خشونت)
- اختلافات زناشویی و نارضایتی (شخص بزهکار و قربانی)

عواملی که مربوط به خشونت جنسی بزهکار می‌شود:

- عقاید و باورهای خانوادگی راجع به ناموس و پاکدامنی
- عقیده به تبعیض جنسی به نفع مرد
- مجازات‌های قانونی ضعیف در مقابل خشونت جنسی

موقعیت نابرابر زنان نسبت به مردان و عادی بودن اعمال خشونت در حل اختلافات، به شدت به خشونت اعمال شده از جانب شریک زندگی و خشونت جنسی اعمال شده از طرف افراد دیگر مربوط است.

پیامدهای مربوط به سلامتی

شریک زندگی و خشونت جنسی دارای معضلات و مشکلات کوتاه‌مدت و دراز مدت فیزیکی، روانی، جنسی و تناسلی برای بازماندگان و فرزندان‌شان است که منجر به هزینه‌های اقتصادی بالایی برای دولت می‌شود.

- از جمله تأثیراتی که بر سلامتی دارد: سر درد، پشت درد، درد شکم، فیبرومیالژیا، اختلال دستگاه گوارش، تحرک محدود و ناخوشی کلی. در برخی موارد نیز می‌تواند منجر به جراحات کشنده و غیرکشنده شود.
- خشونت شریک زندگی و خشونت جنسی می‌تواند منجر به بارداری ناخواسته، سقط جنین عمدی، ناراحتی‌ها و امراض زنانه، عفونت‌های مقاربتی از جمله آچ‌آی‌وی شود. اعمال خشونت توسط شریک زندگی می‌تواند احتمال سقط جنین، زایمان بچه مرده، زایمان زودرس و وزن پائین در نوزادان را افزایش دهد.
- انواع خشونت منجر به افسردگی، اختلال تنش پس از وقوع حادثه، مشکلات خواب، اختلال در خوردن، ناراحتی‌های عاطفی و سعی به خودکشی می‌شوند.
- خشونت جنسی، به خصوص در طی دوران طفولیت منجر به سیگار کشیدن بیشتر، سوء استفاده از مواد مخدر و مشروبات الکلی و رفتارهای جنسی خطرناک در دوران بعدی زندگی می‌شود. این نوع رفتارها به افراد بزهکار (برای مردها) و قربانیان خشونت (برای خانم‌ها) نسبت داده می‌شود.

تأثیر بر کودکان و اطفال

اطفالی که در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که در معرض خشونت قرار دارند احتمال دارد از نارسایی‌های عاطفی و رفتاری رنج ببرند. این می‌تواند به بزهکاری و یا تجربه نمودن خشونت در آینده نسبت داده شود.

- اعمال خشونت توسط شریک زندگی همچنین به میزان بالای مرگ و میر بین نوزادان و اطفال ارتباط داده شده است (مثل بیماری‌های اسهالی و سوء تغذیه)

هزینه اجتماعی و اقتصادی

هزینه اجتماعی و اقتصادی اعمال خشونت جنسی توسط شریک زندگی بسیار سنگین است و اثراتش را در سراسر جامعه می‌گذارد. زنان احتمالاً از انزوا، عدم توانائی برای کار کردن، از دست دادن دستمزد، عدم شرکت در فعالیت‌های منظم و توانائی محدود برای مراقبت از خود و فرزندانشان رنج می‌برند.

پیشگیری و پاسخگویی

در حال حاضر راه‌های متعددی وجود دارند که مؤثر بودن آن‌ها طی مطالعاتی تنظیم شده به اثبات رسیده است. باید منابع بیشتری را در دست داشت تا بتوان از اعمال خشونت جنسی توسط شریک زندگی، به‌طور جدی‌تری پیشگیری کرد، منظور پیش از وقوع خشونت برای اولین بار است.

در رابطه با پیشگیری اولیه شواهدی در دست است که نشان می‌دهد کشورهای پر درآمد که در آن برنامه‌هایی در سطح مدارس در رابطه با روابط دوست‌یابی برای پیشگیری از خشونت تنظیم شده است مؤثر بوده است. اما باید تناسب آن‌را در محیطی که منابع کافی را ندارد، مورد ارزیابی قرار داد. استراتژی‌های اولیه دیگری نیز وجود دارند؛ استراتژی‌هایی که آموزش تساوی جنسیتی همراه با سرمایه‌گذاری خرد، ارتباط برقرار کردن و روابط درست زندگی را در سطح اجتماعات ترویج می‌کنند، دسترسی و استفاده بیش از حد از مشروبات الکلی را کاهش می‌دهد و عادات جنسیتی سنتی را تغییر می‌دهد و تا حدودی مثبت بوده‌اند اما باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرند.

برای حصول به تغییرات اساسی، باید قانون تصویب و اساسنامه‌هایی تنظیم کرد که زنان را محافظت کنند؛ تبعیضات علیه زنان را مورد نظر قرار داده و تساوی جنسیتی را ترویج دهند.

پیگیری و رسیدگی مناسب از جانب بخش بهداشت کشور می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری و پاسخ‌گویی به خشونت داشته باشد. همچنین آگاه‌سازی و آموزش مردم و سازمان‌های خدمات بهداشتی دیگر می‌تواند استراتژی مهم دیگری محسوب گردد. برای اینکه پیامدهای حاصل از خشونت و نیازهای قربانیان را در نظر بگیریم باید پاسخ چند بخشی تهیه کنیم.

منبع: سازمان بهداشت جهانی